

آمار کتابخوانی ایرانی‌ها؛ از سطح تا عمق

4 آذر 1404

میل به مطالعه زنده است اما شکل آن با فناوری‌های جدید هماهنگ شده است.

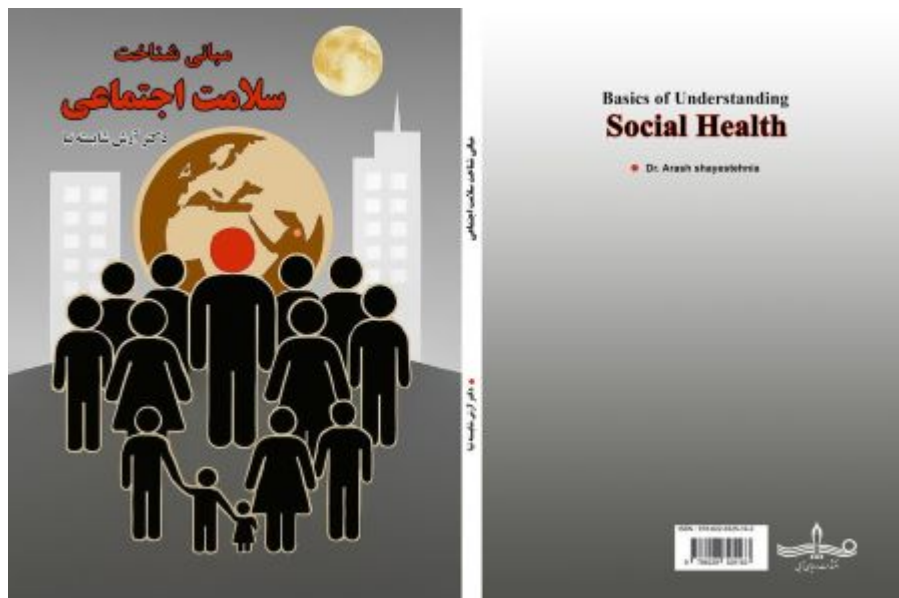
گزارش نظرسنجی آبان ۱۴۰۴ در نگاه نخست، تصویری از کم‌مطالعه بودن جامعه ارائه می‌کند، اما در لایه‌های عمیق‌تر خود نشانه‌های یک تغییر بنیادین در شیوه مواجهه ایرانیان با کتاب و دانش را آشکار می‌سازد.

این جامعه نه تنها از کتاب رویگردان نشده، بلکه در حال ابداع روش‌هایی نو برای حفظ پیوند خود با آن است.

آمار اولیه نظرسنجی آبان ۱۴۰۴ ممکن است جامعه رسانه‌ای و فرهنگی را با تردید مواجه کند: تنها ۴۱.۱ درصد از پاسخگویان خود را کتاب‌خوان دانسته‌اند و ۵۸.۹ درصد هرگز به مطالعه کتاب نمی‌پردازند. این عدد در مقایسه با استانداردهای جهانی، فاصله معناداری را نشان می‌دهد. اما تحلیل دقیق‌تر، صرفاً با تمرکز بر این ۵۸.۹ درصد غایب از مطالعه، کامل نمی‌شود؛ بلکه باید به رفتار ۴۱.۱ درصد افراد فعال فرهنگی توجه کرد.

برخلاف تصور رایج از یک جامعه سطحی‌خوان، این گزارش نشان می‌دهد که افراد کتاب‌خوان، مطالعه‌ای منظم‌تر و عمیق‌تر را دنبال می‌کنند. میانگین مطالعه غیردرسی برای این گروه ۱۸۶ دقیقه در هفته است؛ رقمی معادل حدود ۲۶,۶ دقیقه در روز.

این عدد در قیاس با نظرسنجی گذشته که در گزارش مسائل صنعت کتاب ایران منتشر شده است، نه تنها کاهشی نداشته، بلکه روند افزایشی را تجربه کرده است. این امر گواه آن است که با وجود تمامی فشارهای اقتصادی، رسانه‌ای و اجتماعی، یک «هسته سخت و متعهد» از کتاب‌خوانان در جامعه ایران وجود دارد که مطالعه را به یک عادت روزانه و ریشه‌دار تبدیل کرده‌اند.



کتاب مبانی شناخت سلامت اجتماعی - دکتر آرش شایسته نیا

اگر کل جامعه نمونه را در نظر بگیریم، میانگین مطالعه به ۱۰.۹ دقیقه در روز می‌رسد. هرچند این میزان کم است، اما نشان می‌دهد که مطالعه کاملاً خاموش نشده، بلکه به سمت مطالعه‌ای کوتاه‌مدت، پراکنده اما بالقوه مستمر حرکت کرده است. این الگوی مطالعه، کاملاً با «فرهنگ شتاب» و کمبود وقت در زندگی مدرن ایرانی سازگار است و تحلیلگران فرهنگی باید به جای نکوهش این کمیت، بر تداوم این زمان‌های کوتاه و نحوه تبدیل آن‌ها به عادت‌های بلندمدت تمرکز کنند.

تحول در قالب‌های مطالعه، یک نکته کلیدی است که نشان می‌دهد میل به مطالعه زنده است اما شکل آن با فناوری‌های جدید هماهنگ شده است. کتاب چاپی همچنان با ۵۲.۴ درصد، قالب مورد علاقه باقی مانده است. این پایداری نشان می‌دهد که حس فیزیکی کتاب، امکان تمرکز بالاتر و جدایی از حواس پرتی‌های دیجیتال، همچنان برای نیمی از کتاب‌خوانان اهمیت بنیادین دارد.

در کنار آن، سهم قابل توجهی از مردم از قالب‌های نوین استفاده می‌کنند. ۱۸.۵ درصد کتاب الکترونیکی و ۱۱.۷ درصد کتاب صوتی را ترجیح می‌دهند. نکته بسیار مهم این است که ۱۷.۵ درصد نیز از هر سه قالب استفاده می‌کنند. مجموع کسانی که از قالب‌های نوین (الکترونیکی، صوتی، یا ترکیبی) بهره می‌گیرند، به حدود ۴۷.۷ درصد می‌رسد که نشان می‌دهد تقریباً نیمی از جامعه کتابخوان، مطالعه را از انحصار کاغذ خارج کرده و آن را «فناوری‌محور» ساخته‌اند.

برخلاف کلیشه‌های رایج که نسل جوان را به بی‌علاقگی به کتاب متهم می‌کند، داده‌های گزارش نشان می‌دهند که نسل میانی و جوان‌تر (به‌ویژه ۳۰ تا ۴۹ سال)، با سهمی بیش از ۵۱.۵ درصد از نمونه مورد مطالعه، در حال شکل‌دهی به نسل تازه‌ای از کتابخوانی هستند. استقبال ۱۱.۷ درصدی از کتاب صوتی و گرایش به استفاده از قالب‌های چندگانه (که در این گروه سنی مشهود است)، به خوبی نشان می‌دهد که مطالعه در حال بومی‌سازی شدن با سبک زندگی پُرشتاب آن‌هاست. این نسل مطالعه را به فعالیت‌های هم‌زمان (رانندگی، ورزش، رفت‌وآمد و کارهای خانه) پیوند زده و کتابخوانی را از یک فعالیت منفعل، به یک فعالیت «چندکاره» تبدیل کرده است.

این تحول، خود نشانه‌ای از هوشمندی فرهنگی برای حفظ پیوند با محتوای عمیق در شرایط کمبود زمان است.

تحلیل انگیزه‌های مطالعه، روشن می‌سازد که کتاب هنوز جایگاه خود را به عنوان «رسانه رشد و ارتقای فردی» حفظ کرده است. در میان افراد کتابخوان، بیش از ۶۴ درصد انگیزه‌هایی مبتنی بر توسعه و ارتقای فردی دارند:

۳۳ درصد: کسب دانش

۳۱.۴ درصد: رشد شخصی

تنها ۱۹.۲ درصد: سرگرمی

۱۶.۴ درصد: نیاز شغلی یا تحصیلی

این توزیع نشان می‌دهد که در جامعه ایران، کتاب یک ابزار جدی برای پیشرفت فکری و حرفه‌ای است. در عصری که کسب مهارت‌های نرم و دانش تخصصی اهمیت مضاعفی یافته، کتاب به عنوان یک منبع معتبر و عمیق، مورد رجوع قرار می‌گیرد و نقش ابزار کلیدی در اقتصاد دانش‌محور را ایفا می‌کند.

موضوعات محبوب نیز این رویکرد را تأیید می‌کنند. با اینکه رمان و داستان با ۲۱.۲ درصد، در صدر است، اما موضوعاتی نظیر روانشناسی و تربیتی (۱۵.۴ درصد)، تاریخی (۱۵ درصد) و آثار تخصصی (۱۴.۷ درصد)، در مجموع سهمی تقریباً ۴۵ درصدی دارند. این ترکیب، نشانگر آن است که مطالعه در ایران صرفاً به دنبال «تفریح و سرگرمی» نیست، بلکه ترکیبی از نیازهای شناختی (تاریخ و تخصصی) و عاطفی-اجتماعی (روانشناسی) را پوشش می‌دهد.



کتاب شناخت بزهکاری کودکان و نوجوانان

دکتر کبری درویش پیشه

توجه به موانع و برداشت‌های عمومی، کلید درک شرایط فعلی و برنامه‌ریزی برای آینده است. مهم‌ترین مانع نخواندن کتاب، کمبود وقت (۴۹.۷ درصد) است. این آمار نشان می‌دهد که مشکل جامعه ایرانی نه «بی‌علاقگی» به مطالعه، بلکه «کمبود زمان و مشغله زیاد» است که عمده‌تاً ریشه در مسائل معیشتی و

فشارهای اقتصادی دارد. این یک فرصت است؛ زیرا اگر موانع زمانی رفع شوند، این علاقه پنهان می‌تواند به رفتار مطالعه مستمر تبدیل شود.

۳۵.۳ درصد از پاسخگویان، «کاهش فشار مالی و دغدغه‌های اقتصادی» را راهکار اصلی افزایش مطالعه دانسته‌اند و ۲۱.۸ درصد نیز بر «دسترسی آسان و ارزان به کتاب» تأکید کرده‌اند. این داده‌ها نشان‌دهنده پیوند عمیق مطالعه با قدرت خرید و معیشت عمومی است. کتاب، در سبد مصرف خانوار ایرانی، همچنان کالایی انعطاف‌پذیر است که با افزایش فشار اقتصادی، از سبد حذف می‌شود. این امر لزوم تدوین سیاست‌های حمایتی جدی برای ارزان‌سازی کتاب و تسهیل دسترسی به منابع کتابخانه‌ای را دوچندان می‌کند.

شاید شگفت‌آورترین داده این باشد که ۸۱.۴ درصد از مردم معتقدند «ایرانیان کمتر مطالعه می‌کنند». این اعتراف جمعی و خود-قضاوتی، نباید به عنوان یک شکست فرهنگی تلقی شود. برعکس، این آمار، نشانه‌ای قوی از حساسیت و اهمیت مطالعه در وجدان عمومی جامعه است. اگر مطالعه به‌طور کامل از ارزش فرهنگی ساقط شده بود، جامعه دیگر درباره آن نگرانی و قضاوت نمی‌کرد. این سطح از حساسیت، می‌تواند به عنوان یک اهرم فرهنگی برای ترغیب افراد به مطالعه بیشتر در آینده به کار گرفته شود.

گزارش آبان ۱۴۰۴ تصویر روشنی می‌دهد که جامعه ایران در حال فاصله گرفتن از الگوی سنتی و یکپارچه مطالعه است و به سمت الگویی چندقالبی، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر رشد شخصی حرکت می‌کند. داده‌ها می‌گویند جامعه ایران «کم‌مطالعه» است، اما با وجود هسته‌های فعال، استفاده از قالب‌های نوین و انگیزه‌های قوی رشد، هرگز «بی‌مطالعه» نیست.

مسیر آینده توسعه فرهنگی، در گرو شناخت دقیق این تغییرات است؛ باید بر ارتقای کیفی هسته فعال، تسهیل دسترسی در قالب‌های نوین و رفع موانع اقتصادی متمرکز شد تا میل پنهان به مطالعه در جامعه ایرانی، فرصت شکوفایی یابد.